**آثار علمى حضرت امام صادق علیه السلام**

**1- نامه امام به نجاشى والى اهواز كه به نام رساله عبد الله بن نجاشى شهرت دارد.**

نجاشى مؤلف رجال گويد كه وى به جز اين رساله، تصنيف ديگرى از امام صادق (ع) نديده است. اما مى‏توان نظر نجاشى را چنين توجيه كرد كه اين تنها اثرى است كه به دست امام صادق (ع) تدوين شده و باقى آثار از جمله چيزهايى است كه توسط راويان آن حضرت جمع آورى شده است.

**2- رساله‏اى از آن حضرت كه صدوق در كتاب خصال آن را ذكر كرده و سندش را از اعمش به امام صادق رسانيده است.** اين نامه حاوى احكام اسلامى از قبيل وضو و غسل و انواع آنها و نماز و اقسام آن و زكات، زكات مال و زكات فطره، و حيض و صيام و حج و جهاد و نكاح و طلاق، صلوات بر پيامبر (ص) و دوستى اولياى خدا و برائت از دشمنان خدا و نيكى به پدر و مادر و حكم متعه ازدواج و حج و احكام اولاد و كردار بندگان و جبر و تفويض و حكم كودكان و عصمت پيامبران و ائمه و مخلوق بودن قرآن و وجوب امر به معروف و نهى از منكر و معناى ايمان و عذاب قبر و بعث و تكبير در عيد فطر و قربان و احكام زنى كه وضع حمل كرده و احكام خوردنيها و نوشيدنيها و صيد ماهى و قربانى و گناهان كبيره و مسائلى از اين قبيل، مى‏باشد.

**3- كتابى در توحيد كه به خاطر نام روايتگر آن توحيد مفضل نام دارد.** اين كتاب در رد دهريون و اثبات خداوند جزو بهترين كتابها به شمار مى‏رود و تمام آن در ضمن بحار الانوار موجود است. همچنين اين كتاب به صورت جداگانه با چاپ سنگى در مصر به چاپ رسيده است. و بنابر آنچه در مجله المقتبس خوانده‏ام اين كتاب در استانبول هم به چاپ رسيده كه هنوز آن را نديده‏ام.

**4- كتاب اهليلجة، اين كتاب هم به وسيله مفضل بن عمر روايت‏شده و در ضمن بحار الانوار موجود است.** در مقدمه بحار آمده است كه سياق كتابهاى توحيد (مفضل) و اهليلجة بر صحت آنها دلالت دارد.

سيد على بن طاوس در كشف المحجة لثمرة المهجه در آنجا كه فرزندش را سفارش مى‏كند، گويد: به كتاب مفضل بن عمر كه امام صادق (ع) آن را بر وى املا فرموده بنگر كه درباره آثار و پديده‏هايى است كه خداوند آفريده است. و نيز كتاب اهليلجة را بخوان كه كتاب بس پرارزشى است.

اما در فهرست ابن نديم آمده است: نويسنده كتاب اهليلجة معلوم نيست و گويند آن را امام صادق (ع) نوشته است اما اين محال است. اما ابن نديم درباره علت محال بودن اين امر هيچ دليلى نياورده است.

**5- كتاب مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة كه منسوب به امام صادق (ع) است.** اين كتاب همراه با كتاب جامع الاخبار چاپ شده است. اما مجلسى در مقدمه بحار درباره آن گفته است: در اين كتاب مطالبى آمده كه خواننده خردمند و مطلع را با ترديد مواجه مى‏كند. اسلوب اين كتاب شبيه ديگر سخنان و آثار ائمه (ع) نيست و الله يعلم. مؤلف كتاب وسايل در پايان كتاب هداية گويد: از جمله كتابهايى كه بر ما ثابت است كه قابل اعتماد نيست و از آنها نقل نكرديم كتاب مصباح الشريعة منسوب به امام صادق (ع) است. زيرا سند آن ثابت‏شده نيست و در آن سخنانى آمده كه مخالف با تواتر است.

صاحب رياض العلما نيز به هنگام ذكر كتابهاى مجهول و ناشناخته مى‏نويسد: مصباح الشريعة در اخبار و مواعظ كتابى معروف و متداول است. . . . بلكه اين كتاب از تاليفات يكى از صوفيان است. اما ابن طاوس و ظاهر عبارت سيد على بن طاوس در كتاب امان الاحظار نشان مى‏دهد كه وى بر اين كتاب اعتماد داشته است. زيرا در آنجا مى‏گويد: از جمله كتابهايى كه بايد با مسافر همراه باشد كتاب اهليلجة است. اين كتاب حاوى مناظره امام صادق (ع) با طبيبى هندى است كه درباره شناخت‏خداوند جل جلاله به طرزى عجيب و بديهى استدلال شده به طورى كه آن طبيب هندى پس از اين مناظره به الوهيت و يگانگى خداوند اقرار كرده است. همچنين كتاب مفضل بن عمر كه از امام صادق (ع) روايت كرده و در زمينه وجوه حكمت در خلقت گيتى و آشكار كردن اسرار آن است، بايد همراه مسافر باشد. اين كتاب در نوع خود بسيار شگفت‏آور است. و نيز كتاب مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة از امام صادق (ع) بايد با مسافر باشد. اين كتاب درباره سلوك به سوى خداوند و توجه به او و دستيابى به اسرارى كه در آن نهفته است، بس لطيف و گرانقدر است.

كفعمى در مجموع الغرائب روايات بسيارى را با لفظ قال الصادق از مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة نقل كرده است. شهيد ثانى در كشف الريبة و نيز در منية المريد و مسكن الفواد و اسرار الصلاة رواياتى از مصباح الشريعة نقل كرده و آنها را قاطعانه به امام صادق (ع) نسبت داده و در پايان برخى از آنها آورده است: آنچه گفته شد تماما از كلام امام صادق (ع) بود. سيد حسين قزوينى در كتاب جامع الشرايع، به هنگام ذكر مآخذ كتاب، گويد: مصباح الشريعة به شهادت شارح فاضل شهيد ثانى و سيد بن طاوس و مولانا محسن كاشانى و عده‏اى ديگر منسوب به امام صادق (ع) است. بنابراين، پس از تاييد اينان جايى براى تشكيك و ترديد در اين كتاب باقى نمى‏ماند.

**6- رساله آن حضرت خطاب به يارانش. كلينى اين رساله را در آغاز روضة كافى به سند خود از اسماعيل بن جابر از ابو عبد الله (ع) نقل كرده است:** امام صادق (ع) اين رساله را براى اصحاب خود مرقوم داشت و به آنها دستور داد كه آن را به يكديگر درس دهند و در آن نظر كنند و آن را فراموش نكنند و بدان عمل كنند. اصحاب نيز اين رساله را در جايگاه عبادت خود در خانه‏هاشان گذارده بودند و چون از كار فراغ مى‏يافتند آن را مى‏خواندند.

كلينى در همان كتاب به سند خود از اسماعيل بن مخلد سراج نقل كرده كه گفت: اين نامه از طرف امام صادق (ع) خطاب به اصحابش ابلاغ گرديد، آغاز اين نامه چنين است: «بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد، از پروردگارتان عافيت طلب كنيد». آنگاه تمام نامه را ذكر كرده است. همچنين قسمتى از آغاز اين نامه در تحف العقول تحت عنوان رساله امام به گروهى از پيروان و يارانش، ذكر شده است.

**7- رساله امام به پيروان شيوه راى و قياس.**

**8- رساله آن حضرت درباره غنايم و وجوب خمس در آنها.** در تحف العقول اين قسمت و تا بخش شانزدهم از اين رساله، نقل شده است.

**9- سفارش امام صادق (ع) به عبد الله بن جندب.**

**10- سفارش آن حضرت به ابو جعفر محمد بن نعمان احول.**

**11- رساله‏اى كه برخى از شيعيان آن را نثر الدرر ناميده‏اند.**

**12- سخنان آن حضرت در وصف محبت اهل بيت و توحيد و ايمان و اسلام و كفر و فسق.**

**13- رساله آن حضرت درباره وجوه معيشت و كسب و كار بندگان و وجوه اخراج اموال.**

امام (ع) اين نامه را در پاسخ كسى كه از وى درباره جهات معيشت‏بندگان كه در آنها كسب و كار و معامله بين يكديگر انجام مى‏دهند و نيز وجوه نفقات پرسيده بود، نوشت.

**14- رساله آن حضرت در احتجاج بر صوفيه كه آن حضرت را از طلب رزق و روزى نهى مى‏كردند.**

**15- گفتار آن حضرت درباره خلقت انسان و تركيب او.**

**16- كلمات قصار آن حضرت. ما برگزيده‏اى از اين سخنان را كه در تحف العقول نقل شده،** در بخش حكم و آداب آن حضرت ذكر خواهيم كرد. در اين باره، كتابهاى ديگرى از امام صادق (ع) موجود است كه اصحاب آن حضرت بر اساس آنچه كه از وى روايت‏شده، گرد آورده‏اند. از اين رو منتسب ساختن كتب مزبور به امام صادق (ع) صحيح به نظر مى‏رسد. چرا كه املا خود يكى از طرق تاليف است. نجاشى در كتاب خود، نام پنج كتاب از اين قبيل را ياد مى‏كند و نحوه دستيابى خود را بدانها تذكر مى‏دهد. البته بعيد نيست كه برخى از كتابهايى كه نجاشى نام برده با آنچه قبلا ياد شد، تداخل پيدا كند. اين كتابها عبارتند از:

**الف:** نسخه‏اى كه نجاشى به هنگام ذكر زندگانى محمد بن ميمون زعفرانى از آن ياد كرده است. وى درباره محمد بن ميمون گويد: او از اهل سنت است و فقط يك روايت از امام صادق (ع) نقل كرده است.

**ب:** روايتى كه فضيل بن عياض از امام صادق (ع) نقل كرده است. نجاشى در شرح زندگانى فضيل گويد: او از مردم بصره و از ثقات اهل سنت‏بود و از امام صادق (ع) يك روايت نقل كرده است.

**ج:** نسخه‏اى كه عبد الله بن ابى اويس بن مالك بن عامر اصبحى همپيمان بنى تميم بن مرة بن ابو اويس، از آن حضرت نقل كرده است. نجاشى درباره او گويد: او نسخه‏اى از امام جعفر بن محمد (ع) روايت كرده است.

**د:** نسخه‏اى كه ابراهيم بن رجاء شيبانى نقل كرده است. نجاشى گويد: وى از امام جعفر صادق (ع) نسخه‏اى روايت كرده است.

**ه:** نسخه‏اى كه سفيان بن عينية بن ابى عمران هلالى نقل كرده است. نجاشى گويد: او نسخه‏اى از امام جعفر بن محمد روايت كرده است.

**و:** كتابى كه جعفر بن بشير بجلى روايت كرده است. شيخ طوسى در الفهرست گويد: جعفر كتابى دارد كه منسوب به امام صادق (ع) به روايت على بن موسى الرضا (ع) مى‏باشد.

**ز:** مجموعه رسايل آن حضرت كه جابر بن حيان كوفى آن را روايت كرده است. يافعى در كتاب مرآة الجنان گويد: امام صادق (ع) در علوم يكتاشناسى و غير آن سخنان ارزشمندى دارد. و شاگرد او، جابر بن حيان، كتابى در هزار برگ تاليف كرده كه رسايل آن حضرت را كه حدود پانصد رساله است، در برمى‏گيرد.

**نگارنده :** هيچيك از بزرگان شيعه، كه درباره رجال شيعه و اصحاب ائمه كتابها نوشته‏اند مانند شيخ طوسى و نجاشى و معاصران و پيشينيان و متاخران از آنها، درباره اينكه جابر بن حيان از شاگردان يا اصحاب امام صادق (ع) بوده است، سخنى نگفته‏اند. حال آنكه اينان در مذهب خود از ديگران آگاه تر هستند. البته در فهرست ابن نديم گفته شده است: شيعيان گويند كه جابر بن حيان يكى از بزرگان شيعه و ابواب آنان بوده است. ابن نديم در ادامه گويد: «شيعيان گمان مى‏كنند كه جابر از اصحاب امام صادق (ع) بوده است. . . و سپس گفته است: جابر كتابهايى در مذاهب شيعه دارد كه آنها را در جاى خود ياد خواهم كرد». البته تفصيل مطلب به هنگام شرح زندگانى جابر نقل خواهد شد. اين مطلبى بود كه ما در آغاز آن را نوشته بوديم، اما بعدا بر ما ثابت‏شد كه جابر بن حيان در زمره شاگردان امام صادق (ع) جاى داشته است.

**ك:** تقسيم الرؤيا، در كشف الظنون است كه تقسيم الرؤيا از تاليفات امام جعفر صادق (ع) است. در الذريعة آمده است كه ما سندى مبنى بر اين كه اين كتاب به كس ديگرى جز امام صادق (ع) منسوب باشد پيدا نكرديم. اما ظاهرا مى‏توان گفت كه اين كتاب تاليف يكى از شيعيان به استناد روايات امام صادق (ع) است.

آنچه گفته شد مربوط به كتابهايى بود كه تا كنون تدوين گرديده و به نامهاى خاصى شناخته شده است. وگرنه آنچه دانشمندان از آن حضرت در شاخه‏هاى گوناگون علمى همچون كلام و توحيد و ساير اصول دين و فقه و اصول فقه و طب و مناظره و حكمت و موعظه و آداب و غيره نقل كردند، آن چنان فراوان و بسيار است كه نمى‏توان آنها را برشمرد. و براى آگاهى از آنها بايد به كتابهاى حديثى كه متكفل جمع‏آورى سخنان آن حضرت شده‏اند، رجوع كرد.

**كتاب: سيره معصومان، ج 5، ص 77 - نويسنده: سيد محسن امين - ترجمه: على حجتى كرمانى**